شناسایی موانع استفاده از اماکن عمومی آموزشی و فرهنگی و عوامل مرتبط با آن(مطالعه‌ی زنان شهر شیراز)

صدیقه البرزی[1]. روح اله مظفری[2]

چکیده

امکانات آموزشی و فرهنگی در شهرها یکی از مهمترین عوامل موثر بر ارتقا سطح فرهنگ و دانش انسانهاست. از سوی دیگر با توجه به نقش زنان در جامعه و شرایط خاص فرهنگی جامعه ما مطالعه جامعه شناختی زنان در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است. مطالعه حاضر به این موضوع پرداخته و موانع استفاده از اماکن عمومی آموزشی – فرهنگی(سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر) و عوامل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری تمامی زنان شهر شیراز بوده و داده ها از ۶۰۰ نفر از آنها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد.توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند که این تعداد برابر ۲۰۹ نفر (۳۴/۸ درصد) می-باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند که ۳۱ نفر (۵/۲ درصد) از آنها را دربر می‌گیرد. بررسی میانگین رتبه‌ها نشان داد که در بین این مکان‌ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند.یافته های دیگر مطالعه حاضر نشان داد که موانع امکاناتی- اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را داشته و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته‌اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی: مشارکت، فضاهای شهری، اماکن عمومی، زنان، شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

[1].دانشجوی دکترای جامعه شناسی.دانشگاه شیراز. Alborzi254@gmail.com- (نویسنده مسؤل)

[2]. کارشناس پژوهش و افکارسنجی مدیریت روابط عمومی و بین الملل شهرداری شیراز.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی در جوامع شهری نیازهای آموزشی فرهنگی است. چرا که همگام با توسعه و پیشرفت شهرها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت توجه به نیازهای گذران اوقات فراغت شهروندان بیشتر احساس می‌گردد. یکی ازمسائل بسیار مهم درزندگی انسان‌ها، اوقات فراغت است. به جرات می‌توان گفت چگونگی گذران اوقات بیکاری واختصاص دادن زمانی خاص به شکل درست ومنطقی به این اوقات می‌تواند درجای خود باعث رشد وارتقای تک تک افراد درزندگی شخصی واجتماعی شود، به شرطی که اشخاص تعریف درستی ازاین اوقات داشته باشند:فراغت به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شخص به میل خود، برای استراحت، تفریح، گسترش اطلاعات و آموزش شخصی، مشارکت آزاد اجتماعی و کاربرد توان خویش در خلاقیت، در زمانی فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۹).اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله‌ای است که افراد با آرامش و اختیار می توانند علایق و تمایلات خود را به کار گیرند و فرصتی است تا ایشان ارزش‌ها و نگرش‌های نهان خود را تعین بخشیده، قدرت و مقاومت در عرصه زندگی را به نمایش بگذارند. بهره‌وری از اوقات فراغت بعنوان مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد، می‌تواند عاملی در ایجاد آرامش و لذت درزندگی به شمار آید و از طرفی زمینه رشد و بالندگی در افراد را نیز فراهم آورد. لازم به ذکر است که اوقات فراغت با تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد به گونه‌ای که گسترش مفاهیم نوینی مانند حقوق شهروندی، آزادی‌های فردی، برابری جنسیتی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی موجب سوق دادن افراد برای دستیابی به حقوق برابر و فرصت‌های مساوی در بهره‌مندی از خدمات و شاخص‌های کیفیت زندگی شده است(پورموسوی، ۱۳۹۰ : ۱۶).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

یکی از مباحث مهم در حوزه اوقات فراغت، اوقات فراغت زنان است. نظر به ارزش والای زن در جامعه و با توجه به اینکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده و محور خانواده به شمار می‌آیند، لذا باید از نظر روحی و جسمی از شادابی و سلامت برخوردار باشند. اوقات فراغت طرقی است که به زنان کمک می‌کند تا ضمن شرکت در فعالیتهای فراغتی، وظایف مادری و همسری را بهتر انجام داده و فرزندان بهتری را تربیت کنند و نسل سالم تری را به جامعه تحویل دهند.

یکی از تقسیمات اجتماعی که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می شود، جنسیت است. یعنی نوعی ساختار که به استنباط جامعه از رفتار، ویژگیها و نقشهای مناسب برای مردان و زنان مربوط می شود. از سه عامل کلیدی در اقات فراغت که عبارتند از: زمان، فضا و فعالیت، زنان در هر سه مورد در وضعیت نامساعدی قرار دارند. (فکوهی، ۱۳۸۲). اغلب فعالیتهای زنان بر خلاف مردان، خانه محور است و شمار موسسات و فضاهای فراغتی عمومی زنان نیز بسیار کمتر از مردان است. پر کردن اوقات فراغت با ایجاد و فراهم نمودن فضاهای تفریحی، ورزشی، آموزشی و فرهنگی برای افراد جامعه و به ویزه زنان به منظور کاهش فشارهای ناشی از زندگی صنعتی، مدرن و پیچیده امروزی یکی از مهمترین امور است که متأسفانه در ارتباط با زنان، شاهد ضعفها و نواقصی در این زمینه هستیم. هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی فضاهای تفریحی، ورزشی، آموزشی و فرهنگی برای استفاده زنان از این فضاها از سطح مطلوبی برخوردار نیست. در این میان امکانات آموزشی فرهنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. فرهنگ و ارزشهای خاص جامعه به همراه انتظاراتی که از زن در چارچوب خانواده و رسیدگی به امور خانه وجود دارد خود به عنوان مانعی بزرگ در این مسیر می باشد.

به هر صورت مشاهده می شود که این قشر از جامعه آنگونه که باید از این اماکن بهره نمی-برند و موانع و مشکلاتی از قبیل مشکلات شخصی، خانوادگی، امکاناتی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سر راه آنان وجود دارد و در نتیجه این موانع، فعالیتهای آموزشی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی زنان کاهش یافته که این خود می‌تواند زنگ خطری برای سلامت جسمانی و روانی این افراد و در نهایت جامعه باشد . در بررسی میزان استفاده زنان از امکانات ورزشی تفریحی در زمان فراغت، نتایج یکپژوهش نشان می‌دهدعواملی که مانع مشارکت زنان در ورزش می شود یا آن را محدود میکند، عبارتند از: عدم دسترسی به امکانات ورزشی، مناسب نبودن زمان برنامه ها، گرانیهزینه ثبت نام، نداشتن وقت و مخالفت خانواده. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مسئولیتزنان در منزل، بیش از ساعات کار ایشان در خارج از منزل، وقت آنها را می‌گیرد بهطوری که این زنان هیچ زمانی را برای خود و شرکت در فعالیت های مورد علاقه شان نمی یابند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

در ایران زنان نیمی از جمعیتکشور را تشکیل می‌دهند و این در صورتی است که نگاه و برخورد زنان به موضوعسرگرمی و اوقات فراغتشان متفاوت است.گروهی از آنها سرگرمی را نمی‌شناسند ودرباره‌اش فکر هم نکرده‌اند و غالب آنان علت بی‌توجهی خود را به این موضوع بیشترمشغله ها و گرفتاری‌های فراوان زندگی و مشکلات اقتصادی ذکر می‌کنند. تاکنون درباره پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان حرف‌های زیاد زده شدهاست، اما در این میان اوقات فراغت زنان با تأکید بر استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی، مساله‌ای مهم و درخور توجه است.زنانپایه های اصلی شکل-گیری یک خانواده سالم هستند و نقش انکارناپذیر در حفظ سلامت روانبقیه افراد خانواده را دارند. از این نظر بسیاری از زنان، خارج از زمان مربوط بهشغل خود یا انجام کارهای خانه، یا فراغتی اندک و تکه تکه دارند یا فراغت کاملدارند، اما آن را در تنهایی و بدون داشتن برنامه‌ای از پیش اندیشیده شده می‌گذرانند.از سوی دیگر جایگاه زنان در جامعه، محدودیت آنها در دسترسی بهامکانات، انتظارات اجتماع در مورد زندگی زنان و نقش‌های چندگانه‌ای که آنها درزندگی خانوادگی خود دارند سبب شده است تا آزادی عمل زنان کاهش یابد و انتخاب هایآنها محدود یا با مانع مواجه شود. در مجموع به نظر می‌رسد میان عوامل موجود درعرصه زندگی خصوصی زنان از یک سو و عوامل اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر با گذراناوقات فراغت زنان، چه از لحاظ میزان اوقات فراغت و چه به لحاظ گذران اوقات فراغت دردرون یا بیرون از خانه، میزان پرداختن زنان به فعالیت های اوقات فراغت و رضایتمندیآنان از گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد. امروزه یکی از مهم ترین مشکلات در شهرها به ویژه کلان‌شهرها استقرار نامناسب فضاهای آموزشی فرهنگی، ورزشی و تفریحی می باشد. به نحوی که بسیاری از افراد جامعه به علت عدم دسترسی به آنها نمی-توانند از این امکانات به صورت مطلوب استفاده نمایند(حسنی، ۱۳۸۷).

بنابراین با توجه به اهمیت و نقش مطالعات علمی برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق، انجام تحقیقات متعدد در این زمینه بسیار ضروری می‌نماید. مطالعه حاضر نیز اماکن آموزشی فرهنگی را مدنظر قرار داده است تا مسؤلین امر با توجه به یافته های پژوهش، شرایط و زمینه‌های لازم را برای حضور بیشتر و فعالانه زنان در عرصه بهره‌گیری از امکانات آموزشی – فرهنگی و رساندن زنان جامعه به سطح مطلوبی از آموزش و فرهنگ فراهم سازند .

مطالعات پیشین

متأسفانه در ایران مطالعات بسیار اندکی در زمینه اوقات فراغت و به ویژه استفاده از اماکن اموزشی و فرهنگی انجام گرفته و در این میان تحقیقات در این باره با تأکید بر زنان بسیار کمتر به چشم می

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

خورد و خلا تحقیقات اجتماعی در این حوزه بسیار چشمگیر است. بنابراین مطالعات پیشین ذکر شده در این بخش ارتباط غیرمستقیمتری با موضوع مورد بررسی در مطالعه حاضر دارد.

اسماعیلی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان "سنجش نیازهای فرهنگی شهروندان ساکن شهر اصفهان" تحقیقات وسیعی انجام داد. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در گروه‌بندی نیازهای فرهنگی شهر اصفهان نیازهای آموزشی ۲۳/۲ درصد، نیازهای تفریحی ۲۲/۶ درصد، نیازهای ورزشی ۱۲/۵ درصد، نیازهای هنری ۱۱/۲ درصد، نیازهای رسانه‌ای ۱۰/۴ درصد، نیازهای اجتماعی ۹/۴ درصد، نیازهای مذهبی ۱/۶ درصد، نیازهای انسانی و مدیریتی ۱/۱ درصد، وسایر نیازها ۰/۸ درصد به دست آمده است.در مبحث نیازهای فرهنگی در مجموع ۱۷۹ مورد با تفاوت های جزئی یا کلی نسبت به یکدیگربه عنوان نیازهای فرهنگی شهر اصفهان از طرف پاسخگویان مطرح شده است.

مشکل‌گشا (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه پرداخته است. جامعه آماری پژوهش او را زنان شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه انگیزه ورزشی، پرسشنامه موانع و پرسشنامه مشارکت ورزشی استفاده شده است. نتایج تحقیقات او نشان می‌دهد که مشکلات فردی/ روانی و نداشتن دسترسی به امکانات مسئول ۲۱ درصد واریانس بی انگیزگی بوده است. نداشتن علاقه، ناآگاهی و نداشتن دسترسی مسئول ۱۷ درصد واریانس انگیزه بیرونی بوده و نداشتن علاقه نیز مسئول ۱۲ درصد واریانس انگیزه درونی می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که موانع درون فردی (نداشتن علاقه، ناآگاهی، مشکلات فردی/ روانی) با انگیزه فرد رابطه دارند و از آن طریق می‌توانند بر میزان مشارکت فرد اثر بگذارند.

مرادی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی "نیاز سنجی توسعه فضای فرهنگی شهروندان نجف آباد" پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که تعداد فضاهای فرهنگی موجود شهر نجف آباد در سطح خطای ۵ درصد کمتر از سطح متوسط پاسخگوی نیاز شهروندان بوده و از لحاظ آمایش بیش از نیمی از این فضاها در بخش مرکزی قرار دارند. از نظر نخبگان فرهنگی نیازهای آموزشی و پرورشی و فرهنگسرا در اولویت اول قرار داشتند، برای کودکان شهربازی مهمترین مکان بود و به طور کلی از نظر شهروندان مهمترین نیازهای فرهنگی، نیاز آموزشی و پژوهشی و نیاز تفریحی و فضاهایی همچون پارک، زمین ورزش، تفرج‌گاه و کتابخانه مهمترین فضاها بوده است.

ابراهیمی (۱۳۹۰) درتحقیقی با عنوان اوقات فراغت و عوامل اجتماعی موثر برآن که با استفاده از پرسشنامه بر روی جامعه آماری افراد ساکن شهرستان جویبارانجام شده، بیان می‌دارد که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی براوقات فراغت موثرند ،درحالی که

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

متغیرهای درآمد و محل سکونت دارای تاثیر معناداری بر اوقات فراغت نیستند. پریتیولولتی (۲۰۰۱)، بررسی فرصتهای انحراف در اوقات فراغت نوجوانان فرانسوی را انجام دادند. نتایج بایک نمونه ۱۲ هزار و ۵۱۲ نفری از نوجوانان ۱۸ ساله فرانسوی با استفاده از یک پرسشنامه خود اجراء و با هدف بررسی فرصتهای انحراف در اوقات فراغت نوجوانان نشان داد که فعالیتهای فراغتی به طور قوی با میزان استفاده از مواد مخدر رابطه دارند. استفاده تصادفی از مواد مخدر بیشتر بین پاسخگویانی رواج داشت که در برخی از فعالیتهای خارج از منزل شرکت کرده بودند و استفاده منظم با شیوهایی از زندگی فرد که بیشتر انتخابی بوده است، رابطه داشته و بیشتر درتفریحات هدفدار مانند موسیقی و میهمانیهای دوستانه متمرکز بوده است (به نقل از پورموسوی، ۱۳۹۰).

ونسون و رزاموند (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان" تاثیر بازنشستگی بر فعالیت‌های جسمی اوقات فراغت" به بررسی نیازهای فرهنگی – تفریحی شهروندان ۴۵ تا ۶۴ ساله سفیدپوست افریقائی- آمریکائی شاغل و بازنشسته دریک دوره ۶ساله پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که نیازهای فرهنگی- تفریحی برای گذران اوقات فراغت افراد با نزدیک شدن به سن بازنشستگی افزایش می-یابد که این نیازها برای افراد سفید پوست نسبت به افراد سیاه پوست کمتر می‌باشد.

جیلیوبارگاوا (۲۰۰۴) در مطالعه خود به بررسی اوقات فراغت پرداختند و همچنین عامل موثر بر آن را نیز شناسایی کردند. در این تحقیق به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل زمان کمتری را به فعالیتهای اوقات فراغت نسبت به افراد مجرد اختصاص می دهند. بنابراین وضعیت تأهل یکی از عوامل موثر بر اوقات فراغت می باشد. از دیگر یافته های این پژوهش بدین صورت بود که در میان عاملهای اجتماعی- جمعیتی، درآمد، اشتغال، سن، جنس و نژاد، عاملهای مؤثری در استفاده از اوقات فراغت هستند.

واگنر (۲۰۰۶) تحقیقی در ارتباط با اوقات فراغت و متغیرهای مرتبط با آن پرداخت. یکی از اهداف این پژوهش، جنسیت در اوقات فراغت بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده‌ی آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد. یکی دیگر از نتایج مهم در تحقیق این پژوهشگر تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آنهاست. به عبارتی دیگر زن و مرد بودن در اوقات فراغت رابطه معناداری داشت.

کونگ (۲۰۰۷) تحقیقی انجام داد با عنوان " نشانه‌های فرهنگی و توسعه شهری در آسیا: ضرورت اقتصادی، هویت ملی و موقعیت شهری جهانی" که در آن به بررسی سرمایه‌گذاری فرهنگی در سه شهر شانگهای، سنگاپور و هنگ‌کنگ به عنوان شهرهای جهانی پرداخته است. در این تحقیق، تلاش-

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

های دولت‌ها در شانگ‌های، سنگاپور و هنگ‌کنگبرای ایجاد نمادهای فرهنگی بعنوان بخشی از استراتژی کمک به شهرهایشان برای بدست آوردن موقعیت شهریجهانی و همچنین تشکیل هویت-های شهری و ملی مشترک مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه نشان داده شدکه چنین تلاش-هایی بطور کلی به شیوه‌ای که آنها می‌خواهند تفسیر نمی‌شود، چرا که مردم این شهرها برخی اوقاتاعتراض می‌کنند، برخی اوقات هم نسبت به مسائل بی‌توجه هستند. به علاوه، نویسنده استدلال می‌کند که چنیناستراتژی‌هایی برای بدست آوردن موقعیت شهری جهانی در مغایرت با پروژه ملی-گرایی قرار می‌گیرد.

پیشینه نظری

نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های فرهنگی مسئله پیچیده‌ای است که عوامل زیادی در آن دخالت دارند. مطالعات تجربی نشان داده که تفاوت های جنسیتی در سطح یا درجه موانع فعالیت های فرهنگی در اوقات فراغت وجود دارد. زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه با موانع بیشتری برای شرکت در فعالیت های فرهنگی مواجهند. اینکه زنان چه فعالیت های را در اوقات فراغت انتخاب می‌کنند نیاز به بررسی همه عواملی دارد که به صورت مثبت (انگیزش، مزایای پیش بینی شده) یا منفی (موانع) روی این انتخاب ها تاثیر می گذارد. در ایران تحقیقات اندکی در این باره صورت گرفته اما در خارج از کشور موضوع موانع مشارکت در اوقات فراغت در دو دهه اخیر به طور وسیعی مورد توجه محققان قرار گرفته است(مشکل‌گشا، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

متینگلی و بیانچی در تحقیق خود نشان دادند که اوقات فراغت در زنان کمتر از مردان است. فراغت ایشان بیشتر با کارهای خانگی آمیخته است، زنان بیش از مردان اوقات فراغت خود را با فرزندانشان سپری می‌کنند و بیشتر در زمان گذران اوقات فراغت، نگران کارهای خانه و کارهای بیرون از خانه هستند (متینگلی و بیانچی به نقل از سفیری، ۱۳۸۹). منطبق بر این نظر گرین نشان داد که زنان در این دسته از مطالعات (اوقات فراغت) نادیده گرفته شده‌اند و بزرگترین نقد بر حوزه جامعه شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیشتر در خانه سپری شود، در این موضوع مردان از اقتدار مردانه استفاده کرده به راحتی خروج زنان

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

را منع می‌کنند و اجرای آن نیز ممکن است با تهدید یا اعمال خشونت جسمی همراه باشد. همچنین (بیتمن و واجمن به نقل از سفیری، ۱۳۸۹) نشان دادند که میزان اوقات فراغت زنان به طرز معنی-داری با میزان فراغت مردان متفاوت است و امکان آمیختگی فراغت زنان با دیگر وظایف ایشان بیشتر از مردان است. همچنین آهنگ منقطع و بریده بریده فراغت زنان نسبت به مردان و طولانی‌تر بودن این توقفات، توسط بیتمن و واجمن (۲۰۰۰)، دیم (۱۹۹۶) و یمبوش و تالبوت (۱۹۸۸)، نشان داده شده است. همچنین در مقاله هارگریوز آمده که کنترل تفریح زنان از سوی مردان به طرقی اعمال می‌شود که با اعمال قدرت در وجهه‌ای خصوصی مرتبط است و مردان مقدار زمانی را که همسران و فرزندان دختر آنها به هر فعالیت اجتماعی اختصاص می‌دهند تحت کنترل دارند و گاهی اعمال خشونت شوهران علیه همسران در این خصوص دیده شده است. مضاف بر آن، زنان خود، نیز از تنها بیرون رفتن احساس ناراحتی و ترس دارند، یمبوش و روجک نیز مفاهیمی چون پدرسالاری، روابط جنیستی و طبقه را در تحلیل اوقات فراغت زنان دخیل می‌دانند. زوزانک، سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اشتغال خارج از منزل، تعداد فرزندان و کار خانگی را عوامل موثر در اوقات فراغت زنان می‌داند. پارکر نیز اوقات فراغت را آنتی‌تز کار دستمزدی و به عنوان اوقات آزاد الزام های بیرونی می‌داند که باعث می‌شود فرد، زمان مذکور را به اعمال انتخابی بگذراند و تمایزهای تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آنها می‌داند، همچنین او اذعان می‌دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کمتر بوده و لذا طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدود است، به خصوص زنان کمتر از مردان به ورزش می‌پردازند. بنا بر گفته هی وود، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از زنان متاهل و مادر از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت های فراغتی احساس گناه می‌کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون برای آنها باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اتو کشیدن، شست و شو یا کارهای بافتنی همراه باشد. خود زنان نیز غالبا با قبول این موضوع که مردان "کار واقعی" انجام می دهند، باعث گسترش اندیشه پدرسالاری می‌شوند و به مردان حق می‌دهند که اوقات فراغت داشته باشند. همچنین کلارک و کرتیچر دریافتند که زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند، در بیشتر فعالیت های اوقات فراغت کمتر شرکت می‌کنند و دامنه گزینه های اوقات فراغت آنان تنگ‌تر است و بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه سپری می‌کنند. مطالعات ویمبوش و تالبوت، هندرسون و دیم نشان می‌دهد که زنان تمایل دارند که اوقات فراغت خود را با خانواده همگام کنند و برایشان مشکل است که وقتی را جدای از افراد خانواده برای خود در نظر بگیرند. همچنین مطالعات زمان تعطیلات که توسط تالبوت، ویمبوش و دیم انجام شده نشان داده که فعالیت های روزهای تعطیلی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

زنان مشابه روزهای کاری ایشان می‌باشد و تمایزی در آنها دیده نمی‌شود. هرینگتون، داوسون و بولا دریافتند که زنان در اوقات فراغت خود عمدتا مشغول برطرف کردن نیازهای ابتدایی افراد خانواده هستند. در تحقیقاتی آمده است که با اشتغال زنان و افزایش ساعات کاری ایشان، میزان فراغت ایشان کمتر می‌شود و از آنجا که زنان زمان بیشتری صرف امور خانه و افراد خانواده می‌کنند، هر ساعت کار ممکن است مقدار بیشتری از فراغت ایشان را کاهش دهد. و همچنین هاچچایلد و ماچنگ نشان دادند که زنان بیشتر تمایل دارند اوقات خودرا در خانه بگذرانند. البته یافته های متضاد نیز وجود دارد و برخی معتقدند که بین زنان و مردان شاغل، با اینکه زنان نسبت به مردان اوقات بیشتری برای امور خانه و فرزندان صرف می‌کنند، لیکن به دلیل اشتغال بیشتر مردان در کار، اوقات فراغت ایشان همسان می‌باشد. بیهاوگن و کاتزگرو نشان داده‌اند که زنان سوئدی به دلیل اشتغال به تحصیل در رشته‌هایی که بیشتر با فرهنگ متعالی سروکار دارند، بیش از مردان درفعالیت‌های هنری و فرهنگی مشارکت می‌جویند و این فعالیت را نوعی چالش با قدرت مردان می‌دانند؛ چرا که مشارکت مردان در فرهنگ متعالی همواره سبب کسب مشروعیت برای ایشان بوده و زنان از این طریق با این مشروعیت مقابله می‌کنند. (سفیری، ۱۳۸۹)

همانطور که در بیست سال گذشته، موقعیت زنان در نقش‌های اجتماعی به سرعت تغییر یافته، تحقیقات زیادی هم در زمینه فعالیت های فرهنگی آنان در اوقات فراغت و عوامل بازدارنده این فعالیت ها صورت گرفته است. علیرضا مالکی (۱۳۸۸) به تاثیر جنسیت در اوقات فراغت پرداخته و نشان داده پسران بیشتر به فراغت جسمانی و دختران بیشتر به فراغت های عملی توجه دارند. هم چنین الهام پور (۱۳۸۲) به تفاوت معنی دار جنسیت بر گذران اوقات فراغت اشاره کرده است. رحمانی (۱۳۸۵) نیز تفاوت جنسیتی در ساعات و نوع فراغت بین دختران و پسران را نشان داده است. نابرابری جنسیتی در اوقات فراغت زنان روستایی و تقلیل نقش ایشان به خانه داری و بچه داری توسط سعید معیدفر (۱۳۸۳) به تصویر کشیده شده است. (سفیری، ۱۳۸۹)

رومزا و هوفمان، احسانی، هندرسون و همکارانش در پژوهش‌های خود نشان دادند که کمبود وقت، عدم علاقه، کمبود امکانات و سرمایه، موانعی برای حضور زنان در فعالیت های فرهنگی تفریحی و بدنی اند. سرلی و جکسو، احسانی و همکارانش، مهدی پور و عتیقه‌چی در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیت‌های فرهنگی ورزشی، نشان دادند که زنان برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه اند. آنها علل حضور نیافتن زنان در فعالیت های ورزشی را چنین ذکر کردند: نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی. احسانی و

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

همکارانش، هندرسون و همکارانش، نشان دادند، یکی از عوامل بازدارنده فعالیت های ورزشی، اطلاع‌رسانی ناکافی به افراد است، زیرا آنها از سرویس های ارائه شده و از وجود خدماتی برای فعالیت های ورزشی ناآگاهند. رومزا و هوفمان، دیم و احسانی نشان دادند که عوامل مهارت و سلامتی، برای شرکت در فعالیت های ورزشی نقش بسزایی دارد، به طوری که ناتوانی آنها در مهارت و سلامتی، مانع شرکت در این فعالیت ها خواهد شد. (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۴)

فرضیات تحقیق

- به نظر می رسد بین سن و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

- به نظر می رسد بین وضعیت تحصیلات و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

- به نظر می رسد بین وضع اشتغال و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

- به نظر می رسد بین وضعیت تأهل و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

- به نظر می رسد بین تعداد فرزندان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل‌شده، تحقیقی کمی و از لحاظ نوع برخورد با مساله مورد بررسی و ورود به آن، مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش،

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

پیمایش می باشد. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق مراجعه‌ی مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آنها انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل کلیه بانوان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر شیراز که بر اساس آمار بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۹۰ شامل۵۳۰۰۷۱ نفر می باشد. تعداد افرادی که در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفتند، بر اساس جدول لین برابر با ۶۰۰ نفر می باشد. روش مورد استفاده در این تحقیق جهت دست‌یابی به نمونه‌ی پژوهشی، روش طبقه ای چند مرحله‌ای می‌باشد بدین منظور برای بدست آوردن تعداد نمونه مورد نیاز در هر یک از مناطق نه گانه شهرداری، ابتدا با استفاده از آمار جمعیت هر منطقه، سهم تعداد نمونه هر منطقه محاسبه گردید و سپس این تعداد به صورت تصادفی در هر منطقه توزیع گردید. برای تحلیل داده‌ها از قابلیت‌ها و آماره‌های موجود در نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی حاصل از مطالعه حاضر نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۲۹/۵ درصد) در محدوده سنی ۲۹-۲۴ سال قرار دارند و درصد کمی از آنها (۴/۵ درصد) در محدوده سنی ۶۰-۵۴ سال می‌باشند. ۷۱ درصد متاهل و ۲۹ درصد مجرد هستند.بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی با ۲ فرزند می‌باشد که برابر با ۲۲/۸ درصد از مجموع بانوان متاهل می‌باشد و کمترین فراوانی متعلق به بانوانی با ۵ و بیش از ۵ فرزند است که برابر با ۲/۵ درصد هستند.در ارتباط با وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی متعلق به بانوان خانه دار با ۵۵ درصد بوده و ۲۴/۸ درصد محصل و مابقی (۲۰/۲ درصد) شاغل هستند. همچنین مشاهده شد که سطح تحصیلات بیشترین پاسخگویان، دیپلم بوده (۴۰ درصد) و کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح کارشناسی ارشد و دکترا با ۴/۳ درصدمی‌باشد. .توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند که ۳۴/۸ درصد می-باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند (۵/۲ درصد) .بررسی میانگین رتبه‌ها نشان داد که در بین این مکان‌ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند.یافته های استنباطی در پژوهش حاضر نیز به شرح زیر است:

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی

شرکت در فعالیت ها	تعداد	درصد
اصلا	۷۱	۱۱/۸
خیلی کم	۱۰۴	۱۷/۳
کم	۶۱	۱۰/۲
متوسط	۲۰۹	۳۴/۸
زیاد	۱۲۴	۲۰/۷
خیلی زیاد	۳۱	۵/۲

در جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی به نمایش گذاشته شده است.بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند که این تعداد برابر ۲۰۹ نفر (۳۴/۸ درصد) می‌باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند که ۳۱ نفر (۵/۲ درصد) از آنها را دربر می‌گیرد.

جدول شماره ۲- تعیین اولویت موانع استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی بر اساس میانگین

موانع	میانگین	اولویت
خانوادگی	۲/۹	دوم
عقیدتی	۲/۷	سوم
امکاناتی-اقتصادی	۳/۳	اول
شخصی	۲/۷	سوم
فرهنگی	۲/۹	دوم

همانطور که مشاهده می‌گردد در جدول شماره ۲، موانع امکاناتی- اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته‌اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول شماره ۳-آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر حسب تحصیلات

ابعاد	تحصیلات	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
بعد خانوادگی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۲۵	۰/۷۰	۱۲/۲۵	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۱۴	۰/۶۴		
	دیپلم	۲۴۰	۲/۹۸	۰/۷۳		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۷۶	۰/۵۹		
	کارشناسی	۸۷	۲/۵۹	۰/۶۵		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۴۹	۰/۷۶		
بعد اعتقادی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۰۹	۰/۹۹	۷/۶۱	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۲/۷۸	۰/۸۵		
	دیپلم	۲۴۰	۲/۷۳	۰/۹۵		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۶۶	۰/۷۹		
	کارشناسی	۸۷	۲/۲۴	۰/۹۷		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۲۳	۰/۸۴		
بعد اقتصادی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۴۵	۰/۶۱	۱/۳۹	۰/۲۲۷
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۳۵	۰/۶۱		
	دیپلم	۲۴۰	۳/۳۵	۰/۶۰		
	فوق دیپلم	۸۹	۳/۲۰	۰/۷۰		
	کارشناسی	۸۷	۳/۲۷	۰/۷۳		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۳/۲۱	۰/۸۸		
بعد شخصی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۰۷	۰/۷۵	۱۳/۷۷	۰/۰۰۰

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۲/۹۲	۰/۶۰		
	دیپلم	۲۴۰	۲/۶۸	۰/۷۱		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۶۲	۰/۶۹		
	کارشناسی	۸۷	۲/۳۶	۰/۶۵		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۱۰	۰/۵۸		
بعد فرهنگی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۰۷	۰/۸۰	۱۳/۶۰	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۱۱	۰/۸۲		
	دیپلم	۲۴۰	۳/۰۱	۰/۸۵		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۹۳	۰/۹۷		
	کارشناسی	۸۷	۲/۳۷	۰/۹۰		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۰۹	۰/۶۰		
ابعاد	**تحصیلات**	**فراوانی**	**میانگین نمرات**	**انحراف استاندارد**	**F**	**سطح معنی داری**
موانع	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۲۳	۰/۴۸	۱۳/۷۵	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۱۱	۰/۴۴		
	دیپلم	۲۴۰	۳	۰/۵۰		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۸۸	۰/۵۱		
	کارشناسی	۸۷	۲/۷۰	۰/۵۱		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۵۷	۰/۵۰		

میزان میانگین‌ها در جدول بالا حاکی از آن است که میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی ، در بین بانوان بیسواد و سطح ابتدایی بیشتر و در بانوان دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر کمتر می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون Fبا مقادیر ۱۲/۲۵، ۷/۶۱، ۱۳/۷۷،

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

۱۳/۶۰ و ۱۳/۷۵ و سطوح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بیانگر آن است که با ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی-داری بین میزان تحصیلات از نظر ابعاد خانوادگی، اعتقادی، شخصی، فرهنگی و موانع وجود دارد، اما این تفاوت با بعد اقتصادی معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۴- آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر حسب وضعیت شغلی

ابعاد	وضعیت شغلی	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
بعد خانوادگی	شاغل	۱۲۱	۲/۷۴	۰/۷۳	۳۶/۵۰	۰/۰۰۰
	خانه دار	۳۳۰	۳/۱۳	۰/۶۷		
	محصل	۱۴۹	۲/۶۰	۰/۶۳		
بعد اعتقادی	شاغل	۱۲۱	۲/۴۸	۰/۹۴	۱۰/۳۵	۰/۰۰۰
	خانه دار	۳۳۰	۲/۸۲	۰/۹۱		
	محصل	۱۴۹	۲/۴۷	۰/۹۲		
بعد اقتصادی	شاغل	۱۲۱	۳/۲۶	۰/۶۸	۴/۱۲	۰/۰۱۷
	خانه دار	۳۳۰	۳/۳۹	۰/۶۱		
	محصل	۱۴۹	۳/۲۲	۰/۷۰		
بعد شخصی	شاغل	۱۲۱	۲/۵۵	۰/۷۲	۹/۷۱	۰/۰۰۰
	خانه دار	۳۳۰	۲/۸۰	۰/۶۹		
	محصل	۱۴۹	۲/۵۳	۰/۷۱		
بعد فرهنگی	شاغل	۱۲۱	۲/۷۰	۰/۹۹	۵/۱۸	۰/۰۰۶
	خانه دار	۳۳۰	۲/۹۹	۰/۸۱		
	محصل	۱۴۹	۲/۸۲	۰/۹۸		
موانع	شاغل	۱۲۱	۲/۸۴	۰/۵۶	۱۸/۷۲	۰/۰۰۰
	خانه دار	۳۳۰	۳/۰۸	۰/۴۷		
	محصل	۱۴۹	۲/۸۱	۰/۵۳		

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

میزان میانگین‌ها حاکی از آن است که میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن، در بین بانوان خانه داربیشتر و در بین بانوان محصل کمتر می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون Fبا مقادیر ۳۶/۵۰، ۱۰/۳۵، ۴/۱۲، ۹/۷۱، ۵/۱۸ و ۱۸/۷۲و سطوح معنی‌داری ۰/۰۰۰، ۰/۰۱۷ و ۰/۰۰۶ بیانگر آن است که با ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری بین وضعیت شغلی از نظر همه ابعاد موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی وجود دارد.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر حسب وضعیت تاهل پاسخگویان

ابعاد	وضعیت تاهل	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
بعد خانوادگی	متاهل	۴۲۶	۳/۰۱	۰/۶۹	۵/۳۱	۰/۰۰۰
	مجرد	۱۷۴	۲/۶۸	۰/۷۰		
بعد اعتقادی	متاهل	۴۲۶	۲/۷۸	۰/۹۱	۴/۶۳	۰/۰۰۰
	مجرد	۱۷۴	۲/۳۹	۰/۹۵		
بعد اقتصادی	متاهل	۴۲۶	۳/۳۳	۰/۶۳	۰/۵۲	۰/۶۰۴
	مجرد	۱۷۴	۳/۳۰	۰/۶۹		
بعد شخصی	متاهل	۴۲۶	۲/۷۳	۰/۷۱	۳/۱۰	۰/۰۰۲
	مجرد	۱۷۴	۲/۵۳	۰/۷۱		
بعد فرهنگی	متاهل	۴۲۶	۲/۹۴	۰/۸۵	۲/۰۳	۰/۰۴۳
	مجرد	۱۷۴	۲/۷۷	۱/۰۰		
موانع	متاهل	۴۲۶	۳/۰۱	۰/۵۰	۳/۷۵	۰/۰۰۰
	مجرد	۱۷۴	۲/۸۴	۰/۵۴		

میزان میانگین‌ها حاکی است که میانگین موانع استفاده بانوان و ابعاد آن، در بین بانوان متاهل بیشتر می‌باشد. در نتیجه بانوان متاهل مشکلات بیشتری جهت استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی داشته‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول شماره ۶- ضریب همبستگی بین سن پاسخگویان با موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سن
بعد خانوادگی	ضریب همبستگی	۰/۰۶۸
	سطح معناداری	۰/۰۹۵
بعد اعتقادی	ضریب همبستگی	۰/۰۷۸
	سطح معناداری	۰/۰۵۶
بعد اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۰۲۵
	سطح معناداری	۰/۵۳۳
بعد شخصی	ضریب همبستگی	۰/۰۳۹
	سطح معناداری	۰/۳۴۶
بعد فرهنگی	ضریب همبستگی	-۰/۰۴۹
	سطح معناداری	۰/۲۳۳
موانع	ضریب همبستگی	۰/۰۴۶
	سطح معناداری	۰/۲۶۲

بر اساس نتایج، با توجه به سطوح معناداری بدست آمده،رابطه‌ی مشاهده شده بین سن پاسخگویان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و همه ابعاد آن، معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۷- ضریب همبستگی بین تعداد فرزندان با موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد فرزندان
بعد خانوادگی	ضریب همبستگی	۰/۱۴۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۳
بعد اعتقادی	ضریب همبستگی	۰/۰۹۶
	سطح معناداری	۰/۰۴۸

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

بعد اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۰۵۱
	سطح معناداری	۰/۲۹۱
بعد شخصی	ضریب همبستگی	۰/۰۵۳
	سطح معناداری	۰/۲۷۵
بعد فرهنگی	ضریب همبستگی	-۰/۰۰۹
	سطح معناداری	۰/۸۵۵
موانع	ضریب همبستگی	۰/۰۸۹
	سطح معناداری	۰/۰۶۶

بر اساس نتایج، همبستگی ضعیفی بین تعداد فرزندان بانوان با این موانع و ابعاد آن وجود دارد.با توجه به سطح معناداری ۰/۲۹۱، ۰/۲۷۵، ۰/۸۵۵ و ۰/۰۶۶، رابطه‌ی مشاهده شده بین تعداد فرزندان و ابعاداقتصادی، شخصی، فرهنگی و موانع معنادار نمی‌باشد. بین تعداد فرزندان و بعد خانوادگی موانع، در سطح ۹۹ درصد و بین بعد اعتقادی و تعداد فرزندان در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در جامعه ما زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و این در صورتی است که نگاه و برخورد زنان در ایران به موضوع سرگرمی در اوقات فراغتشان متفاوت است. برخی از زنان سرگرمی و اوقات فراغت را نمی شناسند و حتی درباره آن فکر هم نمی کنند و غالب آنها علت عدم توجه خود به این موضوع را بیشتر، مشغله ها و گرفتاریهای فراوان زندگی و مشکلات ناشی از آن بیان می کنند. این در حالی است که مهمترین فوائد داشتن اوقات فراغت و پر کردن آن با فعالیتهای آموزشی فرهنگی، تفریحی و ورزشی تأمین سلامت جسمی و روانی، سالم سازی، ارتقاء فرهنگ جامعه و پیشگیری از مفاسد و آسیبهای اجتماعیست. اوقات فراغت و پر کردن آن با فعالیتهای مفید و برنامه ریزی شده موجب می شود حس اعتماد به نفس افراد تقویت شده و بهتر از عهده مسئولیتهای فردی و اجتماعی خود برآیند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

این تحقیق نیز با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت توجه بیشتر به آن جهت بررسی میزان استفاده زنان شهر شیراز از امکانات آموزشی فرهنگی به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. بررسی ویژگی‌های کلی افراد نمونه مورد پژوهش، نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۲۹/۵ درصد) در محدوده سنی ۲۹-۲۴ سال قرار دارند و درصد کمی از آنها (۴/۵ درصد) در محدوده سنی ۶۰-۵۴ سال می‌باشند. ۷۱ درصد متاهل و ۲۹ درصد مجرد هستند. بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی با ۲ فرزند می‌باشد که برابر با ۲۲/۸ درصد از مجموع بانوان متاهل می‌باشد و کمترین فراوانی متعلق به بانوانی با ۵ و بیش از ۵ فرزند است که برابر با ۲/۵ درصد هستند. در ارتباط با وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی متعلق به بانوان خانه دار با ۵۵ درصد بوده و ۲۴/۸ درصد محصل و مابقی (۲۰/۲ درصد) شاغل هستند. همچنین مشاهده شد که سطح تحصیلات بیشترین پاسخگویان، دیپلم بوده (۴۰ درصد) و کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح کارشناسی ارشد و دکترا با ۴/۳ درصدمی-باشد.توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند (۳۴/۸ درصد). همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند (۵/۲ درصد). در ادامه، میزان استفاده بر اساس میانگین رتبه مرتب شدند. بررسی میانگین رتبه‌ها نشان داد که در بین این مکان‌ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند. در ارتباط با موانع استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی (در ابعاد امکاناتی- اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، شخصی و عقیدتی) مشاهده شد که موانع امکاناتی- اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته‌اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی ، در بین بانوان بیسواد و سطح ابتدایی بیشتر و در بانوان دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر کمتربوده و تفاوت معنی‌داری بین میزان تحصیلات از نظر ابعاد خانوادگی، اعتقادی، شخصی، فرهنگی و موانع وجود دارد، اما این تفاوت با بعد اقتصادی معنادار نمی-باشد.میزان میانگین‌ها حاکی از آن است که میانگین موانع در بین بانوان خانه دار بیشتر و در بین بانوان محصل کمتر می‌باشد. همچنین تفاوت معنی‌داری بین وضعیت شغلی از نظر همه ابعاد موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی وجود دارد. دیگر نتایج حاکی است که میانگین موانع استفاده بانوان و ابعاد آن، در بین بانوان متاهل بیشتر بوده و در نتیجه بانوان متاهل مشکلات بیشتری جهت استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی داشته‌اند. با توجه به سطوح معناداری بدست آمده،رابطه‌ی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

مشاهده شده بین سن پاسخگویان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و همه ابعاد آن، معنادار نمی‌باشد. بر اساس نتایج، همبستگی ضعیفی بین تعداد فرزندان بانوان با این موانع و ابعاد آن وجود دارد.رابطه‌ی مشاهده شده بین تعداد فرزندان و ابعاداقتصادی، شخصی، فرهنگی و موانع معنادار نمی‌باشد. بین تعداد فرزندان و بعد خانوادگی موانع، در سطح ۹۹ درصد و بین بعد اعتقادی و تعداد فرزندان در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته های تحقیق حاضر و عنایت به نقش زنان در جامعه و اینکه پرورش همه جانبه زنان بسیار ضروری و دارای پیامدهای مثبت هم برای قشر زنان و هم تمامی افراد و به عبارتی کل جامعه است به نظر می رسد که توجه و تمرکز بیش از پیش مسئولین به این امر ضروری بوده و همچنین فرهنگ سازی در ارتباط با اوقات فراغت زنان و پر کردن آن با استفاده از امکانات شهری آموزشی فرهنگی از ملزومات پیشرفت و بهبود در این زمینه است. ایجاد و توسعه کتابخانه سیار، اتاق مشاوره سیار، آموزش هنری وفرهنگی سیار و یا حتی باشگاه سیار در پارک‌های مختلف در زمان‌های متعدد و معرفی اماکن عمومی آموزشی فرهنگی و رسیدگی به نظرات شهروندان می تواند در این حوزه مفید واقع شود و همچنین استفاده از تجربیات و اقداماتی که در سایر شهرها صورت گرفته است، توصیه می شود. در نهایت انجام تحقیقات بیشتر و مطالعه دیگر ابعاد این موضوع و بررسی موانع در این مسیر، جهت کاربردی کردن راهکارها و اقدام جدی جهت رفع موانع پیشنهاد می شود.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی.رازقی ، نادر و مسلمی پطرودی، رقیه (۱۳۹۰) اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: (مطالعه‌ی موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله‌ی شهرستان جویبار). مجله جامعه شناسی کاربردی. دوره ۲۲, شماره ۴.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۲) سنجش نیازهای فرهنگی شهروندان ساکن در اصفهان، سازمان فرهنگی- هنری شهرداری اصفهان.
- پورموسوی، موسی، (۱۳۹۰)، مشارکت شهروندان و برنامه های اوقات فراغت، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- حسنی، اسدالله و همکاران (۱۳۸۷). توصیف و مقایسه مدیریت ایمنی در کلاس های تربیت بدنی مدارس دوره راهنمایی شهر اهواز. نشریه پژوهش نامه علوم ورزشی، شماره ۸. ۲۸-۱۱.
- سعیدنیا، احمد؛ (۱۳۷۹)؛ فضای سبز شهری؛ کتاب سبز شهرداریها؛ انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- سعیدی رضوانی، نوید(۱۳۸۵)" شهرداریها و اوقات فراغت شهروندان، تهران"، گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری، وزارت کشور
- سفیری، خدیجه؛ مدیری، فاطمه؛ (۱۳۸۹)، تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، نشریه علوم اجتماعی "تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی"، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۵۹/۴، صص ۱۴۷-۱۷۰
- فکوهی، ناصر و انصاری، فرشته (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی. نامه انسان شناسی. انجمن انسان شناسی ایران.
- مرادی،علیرضا؛ گلستانی، هاشم؛ اسماعیلی، رضا، (۱۳۸۹). نیاز سنجی توسعه فضای فرهنگی شهروندان نجف آباد ، نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۸-۵۳.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

- مشکل گشا، الهام؛ نادریان، مسعود؛ ذوالاکتاف، وحید، (۱۳۸۸)، موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد اول، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۴-۱۴۵

- میرغفوری، حبیب اله؛ صیادی تورانلو، حسین؛ میرفخرالدینی، حیدر؛ (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات موثر بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱، صص ۱۰۰-۸۳

- Cutler, Blayne. (1990).Where Does The Free Time Go? American Demographics .P36-36.

- G. Lee, Yoon and Bhargava, Vibha(2004)." Leisure Time: Do Married and SingleIndividuals Spend It Differently?" Family andConsumer Sciences Research Journal,Vol.32:254-174

- Kong, L. (2007). "Cultural Icons and Urban Development in Asia: Economic Imperative, National Identity, and Global City Status," Political Geography, Vol. 26, pp 383-404. www.sciencedirect.com.

- Washburn, R. A,Kline. G. Lack and D. T wheeler, (**1992**), leisure time physical activity, New EnglandResearch Institute.

- Wegner, Lisa &Alen J. Flisher&MartieMuller & Carl, Lombard (2006), " Leisure Boredom and Substance Use among HighSchool Students in South Africa", Journal of Leisure Research, vol.38,No.2,P.249-266.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]